اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و سی و سوم)

گیاه خواری

یکی پرسید که گیاه خواری چه جایگاهی در دین دارد؟

گاهی انسانها در بعضی جبهه‌گیری‌های اجتماعی شرکت می‌کنند تا که سمت و سوی خاص خود را در زندگی به نمایش بگذارند. مثلا بعضی افراد به بهانه عدم گوشت خواری و دفاع از حقوق حیوانات، رویه ای برخلاف طبیعت انتخاب میکنند و با نظام رحمانی لج می‌کنند و البته لجبازی با نظام رحمانی بعد از مدتی منجر به ایجاد ناامیدی و پارادکس در میان آنان می‌شود. آنان بیشتر از نصف روز خود را صرف رد کردن غذاها و پوشاکهای تهیه شده از دام و سایر محصولات حیوانی می کنند.

حال آنکه خدای مهربان در آیات متعددی می فرماید که گوشت حیوانات برای شما حلال است ولی آنها می‌گویند که حیوانات جان دارند و نباید جان آنان را بگیریم و به این طریق ظاهرا از خدا مقدس‌تر می‌شوند. این یک نوع قهر با سیستم رحمانی است.

هدف از این قسمت، زیر سوال بردن گیاه خواری نیست و بلکه نقد "عدم گوشت خواری" است. نقد این روش از زندگی لازم است، نه به خاطر خود گیاه خواری؛ بلکه به این خاطر که آنان گوشت را بر خود حرام میدانند و این روش به عنوان یک دین و آئین میان آنان پذیرفته شده است. آنان چیزی را حرام کرده اند که خدا حلال کرده است.

بعضی گیاه خواران که گوشت را بر خود حرام میدانند، می گویند با توجه به شکل دندانهای بشر، انسان اصالتا گوشتخوار نبوده است. در جواب باید گفت که انسان گوشت را خام که نمیخورد و بلکه آن را میپزد و بعد میخورد و بنابراین شکل دندان مربوط به حالتی است که بشر مثل شیر و ببر دنبال شکار برود و آن را با دندانهایش شکار کند. خدای حکیم قبل از خوردن گوشت حیوانات، ذبح آن را دستور فرموده است تا که حیوان زجر کمتری حین کشته شدن بکشد. مثلا کفتار شکارش را از پایش میخورد و مثل شیر گلوی شکار را فشار نمیدهد تا خفه شود و در این حالت شکار به مدت زیادی خورده شدن خود را مشاهده میکند و زجر میکشد. اما خدای حکیم، عمل ذبح کردن را امر فرموده است تا که حیوان زجر نکشد و بجز همان یک ثانیه اولی، چیزی از کشته شدن خود متوجه نشود.

اگر انسان حیوانات را ذبح نکند و از گوشت آنان استفاده نکند، بالاخره روزی حیوانات هم می میرند و مرگ هر جوری باشد، مقداری درد دارد و حتی مرگ ما انسانها هم به نوعی ناگهانی و دردناک است. انسان هم جسدش زیر خاک دفن میشود و خوراک ویروسها و باکتریها میشود. کالبد انسان هم از نظر جسمی جزو طبیعتی

است که خدا آفریده است. برداشت محصول یک باغ، باعث پربارتر شدن آن میشود. هر سال باید شاخه های اضافی باغ مو را ببرید و گرنه باغ پربار نمیشود و بعد از مدتی شاخه ها خشکیده میشوند. ذبح حیوانات باعث ایجاد تعادل در آنان میشود و باعث ازدیاد نسل آنان میشود. حتی گیاهان و سبزیجات هم اگر بطور مرتب کوتاه نشوند و چیده نشوند، زرد میشوند و از بین میروند. دقیقا به همین دلیل حیوانات هم باید خورده شوند تا نسلشان حفظ شود.

حیواناتی که خدا خلق فرموده است بجز انعام (گاو، گوسفند و ...) میتوانند بدون انسان رتق و فتق امور خود را انجام دهند و زندگی خود را طی کنند. اما گاو و گوسفند بدون مواظبت انسان نمیتوانند تکثیر شوند و ممکن است نسلشان از بین برود. آنان هوش کافی برای تطابق با تمدن امروزی بشر را ندارند و همیشه نیازمند انسان هستند. انسان وقتی اینها را نگهداری میکند، پس قطعا میتواند از گوشت و پوست و پشم آنها استفاده کند و این استفاده مشوقی برای نگهداری بهتر و دوباره از آنها است. اگر از گاو و گوسفند نگهداری کنید ولی نتوانید از گوشت و محصولاتشان استفاده کنید، باید گاو و گوسفند را مقدس کنید تا بتوانید کار و تلاش و زحمت خود را توجیه کنید و مثل وضعیتی میشود که اکنون در هندوستان است. اگر از گوشت گاو استفاده نشود، بالاخره گاو پیر می شود و در دوران پیری زمین گیر میشود. گاو مثل انسان نمیتواند مشکلات دوران پیری را حل کند و باعث زجر کشیدن آنان میشود. در زمان قدیم، آریائیها گاو را با روش وحشیانه ای همچون کوبیدن چوب بر سر آنان و یا فرو بردن چاقو در بدن آنان، گاو را با زجر کامل میکشتند. هم اکنون هم ماتادورها در اسپانیا و

کشورهای آمریکای جنوبی این کار وحشیانه را انجام میدهند و البته آن را یک بازی و سرگرمی به حساب می آورند! بشر متمدن در حالی ادعای دفاع از حیوانات را دارد که خودش آنان را ملعبه دست خود میکند و با زجر آنان را می کشد. اما خدای مهربان عمل ذبح کردن را دستور فرموده است تا که گاو با کمترین زجر و سریعترین حالت، کشته شود. از نظر ما کشتن حیوانات با بریدن شاهرگ حیاتی آنان دردناک است، اما برای یک گاو این سریعترین و راحت ترین روش مرگ است.

در صورت عدم گوشت خواری، مواد گیاهی زیادی برای تغذیه انسانها لازم است و رقابت انسان با حیوانات سرِ مواد گیاهی به بن بست میخورد و قطعا پیروز این رقابت انسان خواهد بود و باعث نابودی حیوانات میشود. در صورت عدم ذبح حیوانات، میلیونها گاو پیر سرگردان می شوند. سرنوشت این همه گاو چی میشود و اگر در طبیعت رها شوند، به طبیعت آسیب میزنند؛ همانطور که این پدیده در هندوستان به یک مشکل عمده تبدیل شده است. فقرایی که غذای کافی برای خوردن ندارند ولی گاوهای زیادی روی سبزیجات آنان را له میکنند و کسی جرات رد دادن آنان را ندارد. خدای حکیم مهربان گیاه خواری را منع نفرموده است و بیشتر غذاهای ما گیاهی است. بهتر است که اسم گیاه خواری روی این سبک زندگی نگذاریم، بلکه اسم "عدم گوشت خواری" برای این مکتب مناسبتر است.

خدای مهربان در قرآن روی حرام و حلال کردن سلیقه ای اغذیه خیلی هشدار داده است و در قرآن بسیار به آن واکنش نشان داده است و حتی آن را تبعیت از شیطان نامیده است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گامهای شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست (١٦٨)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

[او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می دهد و [وامی دارد] تا بر خدا چیزی را که نمیدانید بربندید (١٦٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمتهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید و اگر تنها او را می پرستید خدا را شکر کنید(١٧٢)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾

[خداوند] تنها مردار و خون و گوشت خوك و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانیده است [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست زیرا خدا آمرزنده و مهربان است (١٧٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده حرام مشمارید و از حد مگذرید که خدا از حدگذرندگان را دوست نمی دارد) ۸۷(

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿۸۸﴾
و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده حلال و پاکیزه را بخورید و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید (۸۸)

ما حق نداریم، از خدا مقدس تر شویم و بیخودی گوشت حیوانات را بر خود حرام کنیم. خدا خودش به حیوانات جان داده است و خودش هم میداند که چه حالتی برای مرگ حیوانات مناسب است. نتایج عدم گوشت خواری در جامعه ما : دور شدن از جامعه، تنهایی، خود را مجزا دانستن و مطرح کردن، معنویت کاذب برای خود ایجاد کردن و خود را به این امور مشغول کردن و نافرمانی نسبت به فرمان خدا در قرآن، از خدا مقدس تر شدن و از خدا متعصب تر شدن.

وقتی خدا به ملائک دستور فرمود که موجودی روی زمین خلق میکنم و بعد شما باید به او خدمت رسانی (سجده) کنید. ملائک همگی تسلیم امر خدا شدند بجز ابلیس. ابلیس خود را مقدس تر از خدا نشان داد و قضیه مقدس تر از خدا شدن، نشان از خوبی ابلیس نبود، بلکه نشان از غرور غیر قابل کنترل او داشت. غرور باعث میشود که انسان خود را مجزا و "خاص" کند و ایدئولوژیهای دیگری انتخاب کند. عدم گوشت خواری نوعی نافرمانی نسبت به نظام رحمانی است. اگر یک گیاه خوار آیات قرآن را بخواند و تسلیم دستورات خدای رحمان شود، متوجه میشود که ماجرا چیست

و پشت پرده مرگ و میرها چیست. داستان موسی و خضر را در قرآن بخوانید؛ پشت پرده واقعیتها آن چیزی نیست که ما می بینیم. حیوانی که ذبح میشود، شاید اصلا از ذبح شدن خود چیزی نفهمد. خیلی انسانها در تصادفات می میرند ولی از آنجا که مرگ آنها ناگهانی است، اصلا متوجه موضوع نمیشوند و در یک چشم به هم زدن می میرند. ذبح حیوانات هم اینطوری است. از یکی پرسیدند که اگر اعدام شوید، اعدام با طناب دار را دوست دارید یا گیوتین؟ او گفت که گیوتین خیلی وحشتناک است و در نهایت گفت طناب دار بهتر است. اما اگر بیشتر دقت شود، اعدام با گیوتین برای مشاهده کنندگان صحنه اعدام، وحشتناک و دردناک است؛ اما برای اعدام شونده راحت تر است زیرا در عرض کمتر از یک ثانیه می میرد و درد کمتری حس میکند. هدف از این مثال این بود که ثابت شود که تصورات ما از ذبح حیوانات و زجر کشیدن آنان واقعی نیست.

اصلا فرآیند گناه از یک نوع سرپیچی ساده شروع میشود. خدا می فرماید که این کار را بکنید، اما بشر میگوید که نه این دستور اشتباه است و حرف خدا را به زمین می زند. تسلیم و اسلام یعنی پذیرفتن آنچه که خدا می فرماید. در آینده ثابت خواهد شد که احساسات گیاهان بیشتر از حیوانات است و حتی ممکن است که گیاهان از کنده شدن خود زجر بیشتری بکشند. از آنجا که حیوانات به مایعی به اسم خون وابسته اند، در صورت زدن رگ حیاتی آنان، دیگر زنده نیستند و حتی مرگ آنان ممکن است از مرگ گیاهان ساده تر باشد. کسی که گوشت را بر خود حرام میکند، در ضمیر ناخودآگاه خود قانون خدا را نقض میکند و یک گزاره ضد رحمانی را وارد

سیستم روان خود میکند و همین گزاره غلط، منشاء آشوبهای ذهنی بعدی علیه خدای رحمان میشود. چند گزاره غلط معنوی، با همدیگر زیربنای یک ساختمان معنوی غلط می شوند.

ما در زندگی خود خیلی از غذاهایمان گیاهی است اعم از نخود و لوبیا و عدس و هویج و غیره؛ ولی خیلی واضح است که ما حق نداریم به بهانه‌های احساسی، گوشت را بر خود حرام کنیم. گیاهخوارانی که از خوردن گوشت امتناع می‌کنند، عمده‌ترین دلیلشان این است که می‌گویند حیوانات جان دارند و یا احساس دارند. گیاهان هم جان دارند و آنها هم احساس دارند اما ما از احساس و درک آنها چیزی نمی‌دانیم. اما آیا خدا هم نمی‌داند! اگر روزی ثابت شود که گیاهان هم جان دارند و احساس دارند (که ثابت هم شده است)، آن موقع ایدئولوژی گیاه خواری شکست خورده است و شدیدا ناامید میشوند و یا اینکه باید تناقض بافی کنند.

گیاهان بسیار هوشمند هستند ولی شاید ما آن را درک نمی کنیم. تابستان امسال قسمتی از یک کوه آتش گرفت. بعد از چندین ماه، اول زمستان امسال از آنجا گذشتم. چیز عجیبی که مشاهده کردم این بود که زمینی که سوخته بود، تمام گیاهانش دوباره سبز شده بودند، مثل بهار. در حالی که کوه بغلی که نسوخته بود، چیزی در آن سبز نشده بود. اما کوهی که سوخته بود، بخاطر دفاع از خود و ترمیم و جبران خسارت ناشی از سوختگی، اول زمستان مثل بهار گیاهان رشد کرده بودند. اینها همگی تصادفی نیستند و بلکه نشان از هوشمندی گیاهان و حتی سایر موجودات دارد. گیاهان نه تنها احساس دارند و بلکه هوش فوق العاده ای دارند که خدادادی

در وجودشان هست. این که گیاهان نمی توانند حرکت کنند، به این معنا نیست که هیچگونه احساسی ندارند.

خدا نفرموده است که حتما باید همیشه گوشت بخورید ولی منع هم نکرده است. کسی که مشکل گوارشی دارد؛ نمی تواند بعضی غذاها را بخورد ولی این ممنوعیت در حالت عادی برایش منعی ندارد زیرا او این ممنوعیت را به نظام رحمانی نسبت نمی دهد و بلکه در جهت برآوردن یک رژیم غذایی است و نه چیز دیگری. بعضی افراد شاید بدلایل پزشکی رژیم گیاه خواری را انتخاب کنند، ولی این موضوع ربطی به دین و آئین ندارد و ربطی به تحریم گوشت هم ندارد.

کسانی که گوشت را بر خود حرام میکنند، میگویند که عدم گوشت خواری ، خیلی از بیماریها را درمان کرده است. توجه شود که این یک حرف خیلی کلی است و نیاز به جزئیات بیشتری دارد. درمان بعضی بیماریها در این روش، بخاطر امساک است و نه بخاطر عدم گوشت خواری. از همین گفته گیاه خواران ثابت میشود که گیاه خواری صرف، یک روش معمولی نیست و بلکه یک روش استثنایی است و این روشی نیست برای زندگی عادی و معمولی.

یکی از گیاه خواران میگفت که گیاهخواری اولین گامی است که انسان به سوی راستی و درستی برمیدارد. این گفته ثابت میکند که گیاه خواری فقط یک تصمیم غذایی نیست و بلکه یک فلسفه است و حتی به یک دین تبدیل شده است. توجه شود که دین برای هر انسانی لازم است و حتی آتئیستها هم دین دارند، گرچه ممکن است خودشان بگویند که دین ندارند، ولی ناچارا یک دینی دارند. همینکه میگویند دین

ندارند، یعنی این روش خودش یک دینه، یک روشه ، یک آئینه. روان آدمی برای استحکام و نگهداری خویش، نیاز به یک سری اوامر و نواهی و جبهه گیریها دارد. تجربه ثابت کرده است که کسانی که بی دین بوده اند و هیچ دینی را نپذیرفته اند، مجبور شده اند که خودشان برای خود اوامر و نواهی ایجاد کنند. مثلا گیاه خواران برای خود ، گوشت را بر خود حرام کردند و این نیاز روانی آنان است. این نیاز روانی آنان، از این طریق ارضا میشود و در ظاهر به آنها حس رضایت میدهد. این حس رضایت تقلبی خودش شروع انحراف از مسیر اصلی و دین خداست.

فرقه های زیادی در طول تاریخ بوجود آمدند که در ظاهر ایدئولوژی خود را براساس عدم خشونت بنا کردند. یکی از این فرقه ها "مانوی" بود که پیروان آن شعار "عدم خشونت" را پرچم خود قرار داده بودند. هر کدام از این فرقه ها از نظر معنایی به یک سری اوامر و نواهی نیاز داشتند تا بتوانند ادامه دهند. البته آنها مفهوم خشونت را بدرستی برای پیروان خود معنا نکرده بودند. بعضی از این فرقه ها حتی شخم زدن زمین را خشونت علیه زمین و زخمی کردن آن میدانستند. و بعضی دیگر از آنان حتی چیدن میوه های درختان را هم خشونت علیه درختان میدانستند. عدم خشونت یک امر بسیار مناسب و بجایی است ولی در این مورد نباید افراط و تفریط کرد و وارد خیالپردازی شد. سردر گمی عجیبی در این ایدئولوژیها موج میزند و همگی این دستورات بی فایده را به عنوان یک ایدئولوژی و دین خود بر گزیده بودند و خود را مشغول این دستورات بیهود میکردند و البته خیال میکردند که دارند دین خدا را رعایت میکنند. در حالی که این دستورات بیهوده آنان را از دستورات اصلی دین باز

میداشت و فریب میداد. این دستورات به ظاهر درست، فریب دهنده هم بود زیرا افراد به این دستورات و امر و نهی های من در آوردی مشغول بودند و دستورات اصلی دینی را فراموش کرده بودند. بعضی مشغولیتها و اوامر و نواهی، خطرناک و بیهوده و افراط و تفریط است و تمام انرژی آدمی را می گیرند، بدون آنکه معنویتی به شما بدهند. همانند بعضی کشیشها و راهبه های مسیحی که ازدواج را بر خود حرام میکنند بدون آن که خدا در این مورد دستور داده باشد و اینها همگی ساختن دستورات اضافی و بیهوده برای خویشتن است که مانع رشد معنوی است.

اگر بعضی بیماریها بوسیله عدم گوشت خواری درمان شده است، اما از جهات دیگر، بعضی از گیاه خواران یک سرماخوردگی ساده گرفته اند و چهار پنج ماه درگیر آن بوده اند. اولین ضرر عدم گوشت خواری، ضعیف شدن بدن انسان است. معنویت را در یک قالب محدود شده قرار دادن، باعث ضعیف شدن جسم هم میشود.

من کاری به گیاه خوارانی که تقلید میکنند و ناخواسته این روش را برگزیده اند ندارم؛ اما ایدئولوژی نهانی اصلی گیاهخواران این است که آنها از صدور فتوا ضد نظام رحمانی لذت می‌برند. در شطرنج یک حرکت است که گامبی نام دارد در این حرکت فرد شطرنج باز یک سری مهره‌ها را قربانی می‌کند تا چیزها و موقعیت‌های بهتری به دست آورد. گیاهخواران عرفانی هم در نهاد خویش دنبال چنین استراتژیی هستند. آنها دنبال کسب معنویت هستند اما این معنویت با دستور خدای رحمان سازگار نیست و با آن تضاد پیدا می‌کند و از همین جاست که اکثر گیاهخواران نمی‌توانند کتاب آسمانی قرآن را تمام و کمال قبول کنند.

وقتی خدا در سوره مائده آیه ۳ و ۴ در مورد حلال و حرام کردن گوشت‌ها صحبت می‌فرماید، در نهایت می‌فرماید که من اسلام را به عنوان دین شما برگزیدم و به این روش رضایت دادم. رضایت دادن خدا به آن معناست که ما نباید از خدا مقدس‌تر شویم. اگر کسی از خدا مقدس‌تر شود، یک ایدئولوژی شیطانی برای خودش برگزیده است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳﴾

بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوك و آنچه به نام غير خدا كشته شده باشد و [حيوان حلال گوشت] خفه شده و به چوب مرده و از بلندى افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشد مگر آنچه را [كه زنده دريافته و خود] سر ببريد و [همچنين] آنچه براى بتان سربريده شده و [نيز] قسمت كردن شما [چيزى را] به وسيله تيرهاى قرعه اين [كارها همه] نافرمانى [خدا]ست امروز كسانى كه كافر شده اند از [كارشكنى در] دين شما نوميد گرديده اند پس از ايشان مترسيد و از من بترسيد امروز دين شما را برايتان كامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانيدم و اسلام را براى شما [به عنوان] آيينى برگزيدم و هر كس دچار گرسنگى شود بى‌آنكه به گناه متمايل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد] بى ترديد خدا آمرزنده مهربان است (۳)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۴﴾

از تو مى پرسند چه چيزى براى آنان حلال شده است بگو چيزهاى پاكيزه براى شما حلال گرديده و [نيز صيد] حيوانات شكارگر كه شما بعنوان مربيان سگهاى شكارى از آنچه خدايتان آموخته به آنها تعليم داده ايد [براى شما حلال شده است] پس از آنچه آنها براى شما گرفته و نگاه داشته اند بخوريد و نام خدا را بر آن ببريد و پرواى خدا بداريد كه خدا زودشمار است (۴)

خدا منابع زمین را براساس گوشتخواری و گیاه خواری در مجموع با هم تنظیم کرده است. اگر همه مردم دنیا گیاه خوار شوند، برای تامین منابع و ویتامینهای لازمه بدن؛ نیاز به کاشت انواع گیاهان مختلف است که زمین و منابع آبی زمین جوابگوی آن نیست. گوشتخواری خیلی از مشکلات و کمبودهای ویتامینی را بصورت خلاصه تر و ساده تر حل خواهد کرد. اصلا گوشتخواری یک نعمت رحمانی است که در پیشبرد زندگی بشر خیلی مفید است.

ایدئولوژی شیطانی قابل انگاشت روی جسم نیست. اگر کسی بخواهد آن را روی جسمش نگاشت کند، بیمار می‌شود و تضاد در نهاد او بوجود میاید. گیاه خوار میگوید، گوشت حیوانات را نباید خورد زیرا حیوانات جان دارند. اما از یک طرف دیگر او با یک پارادکس و تضاد همراه است، زیرا گیاهان هم جان دارند. چطوری این تضاد را برای خود حل میکند؟ او از همان اول، هر روز با این تضاد سر وکله میزند و به این طریق وجود تضادها برای او عادی میشود. شیطان می گوید که زندگی مجموعه ای از آشتی تضادهاست. به این طریق شیطان خیلی راحت و حرفه ای، انسانها را به سمت خودش دعوت میکند. در حالی که خدای مهربان می فرماید که تسلیم دستورات خدا شوید تا به تضاد نرسید و گیر شیطان نیفتید. این همان اسلام و تسلیم است.

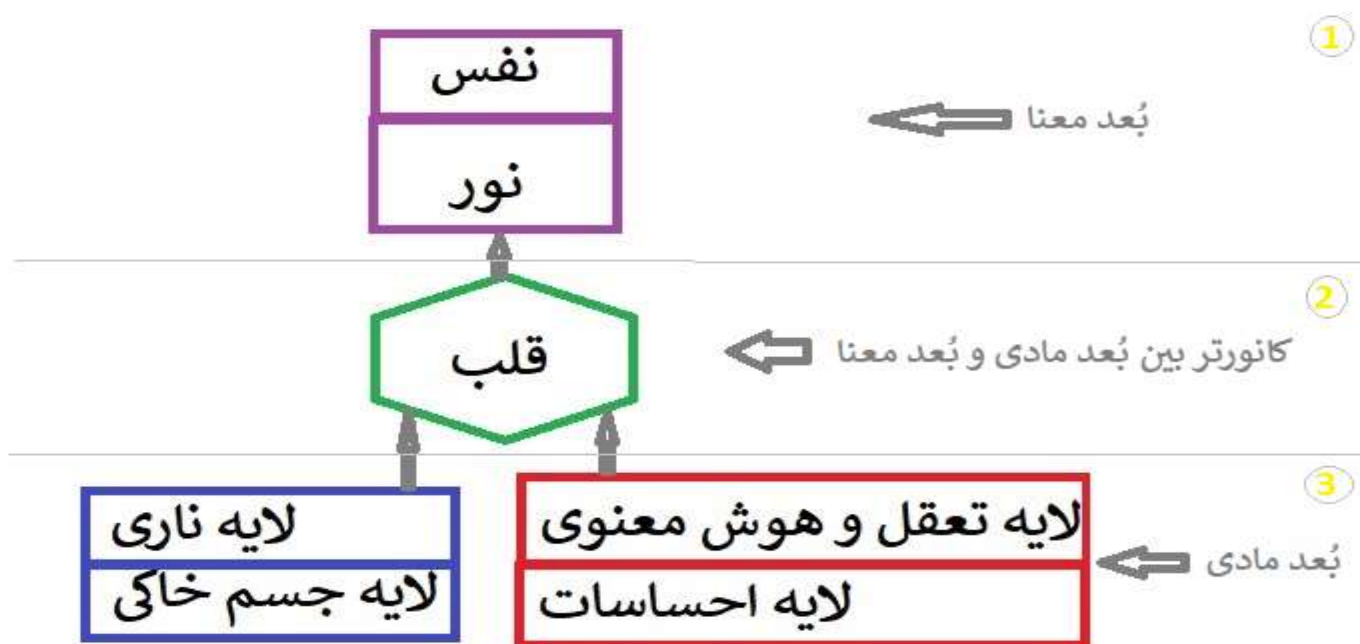
گیاهخوارانی که گیاه خواری را آئین خود قرار داده اند، با مقدس‌تر شدن از خدا، ناخواسته برای شیطان فعالیت می‌کنند. کسی که مسلمان است و هر گوشتی را بر خود حرام میکند، مجبور است خیلی از آیات قرآن را نادیده بگیرد و آن را نادرست بداند. این خودش شروع نوعی ایجاد عصیان و آشوب در وجود اوست. در کارهایی مثل گلد

کویست، اگر در تبلیغات فعال نباشی موفق نمی‌شوی؛ در ایدئولوژی‌های شیطانی هم باید یک فعالیتی علیه خدای رحمان صورت دهی تا بتوانی بمانی وگرنه بیرونت می‌کنند. عدم تسلیم در مقابل فرامین خدا، یکی از فعالیتهای شیطانی است در جهت روشن نگهداشتن آتش تضاد در جهان.

از نظر علمی هم ثابت شده است که گوشتخواری باعث تداوم و تکثیر حیوانات می‌شود. فرض کنید همه گیاه خوار شوند؛ اگر همه انسانها گیاهخوار شوند به رقیب حیوانات تبدیل می‌شوند و در این رقابت، قطعا انسان پیروز خواهد شد و این روش به ضرر حیوانات خواهد بود و در مکتب گیاه خواری، خشونت علیه حیوانات خیلی بیشتر میشود.

پروتئین‌های حیوانی باعث پرورش جسم انسان‌ها می‌شوند و این نوع ویتامین‌ها هیچ وقت به فراوانی گوشت، در گیاهان یافت نمی‌شوند. کسانی که ایدئولوژی عدم گوشت خواری را برای خود انتخاب می‌کنند، معمولاً دوران رشد جسمی خود را سپری کرده‌اند و استخوان بندی خود را محکم کرده‌اند. آیا آنها حاضرند که کودکان خود را از گوشت محروم کنند؟ یک کارگر و یا فردی که فعالیت بدنی بالایی دارد هیچ وقت نمی‌تواند عدم گوشت خواری را انتخاب کند، زیرا نمی‌توان از طریق گیاهخواری، ویتامین‌ها و انرژی‌های لازمه فعالیت بدنی زیاد را تامین کرد. سبک غذایی انسان باید طوری باشد که ضعیف نشود و توانایی فعالیت‌های بدنی خود را از دست ندهد. تحریم کردن گوشت نوعی قهر با نظام رحمانی است.

یکی که مدتی گیاهخوار بود، می‌گفت که در حین گیاهخواری سر سوداگری داشته است و حس‌های ششم او فعال‌تر بوده‌اند و می‌گفت که مثلاً افتادن یک پیرزن را در خیابان چند ثانیه قبل از وقوع می‌دیده است. برای توضیح این مورد بهتر است مرور کنیم که انسان در بعد مادی از چهار لایه تشکیل شده است این لایه‌ها باید با همدیگر هماهنگ باشند وگرنه فرد در توهمات و حس ششم خواهد افتاد و حتی دچار بیماری‌های روانی خواهد شد.



وقتی که مثلا لایه احساس ما با لایه جسمی و ناری ما هماهنگ نباشد، آنوقت لایه احساس و ناری ما از چشم و گوش ما جلوتر می‌افتند و اتفاقاتی توهم زا برای انسان می‌افتد که او را به اشتباه می‌اندازد و فرد در این توهم می افتد که دارای قدرتهای خارق العاده شده است! وقوع این اتفاق ، یعنی هماهنگی بین لایه‌ها از بین رفته است و فرد چیزهایی می‌بیند که آن را کرامت برای خود حساب می‌کند در حالی که این

نوع کرامت بی‌فایده است و هیچ سودی ندارد و حتی مضر هم هست. مطلع شدن از افتادن یک پیرزن یک ثانیه زودتر چه مشکلی را از ما حل می‌کند؟ غیر از اینکه فرد را مغرور و خیالاتی می‌کند و فرد فکر می‌کند که دارای نیروهای ماورایی و حس ششم و فوق العاده است!

اینها یک نوع باریکی ادراکی است که باعث ناهماهنگی بین لایه‌هاست که در مصرف مخدرات و مشروبات الکلی هم خیلی پیش می‌آید. کسانی که مشروب الکلی مصرف می‌کنند، به گفته خودشان می‌توانند رانندگی کنند و مشکلی در رانندگی ندارند ولی با این تفاوت که آنها فقط جاده را می‌بینند. مثلا اگر در حین رانندگی یکی جلوی ماشین بیاید، دیگر او را در نظر نمی‌گیرند و نمی‌توانند این موقعیت جدید را کنترل و مدیریت کنند. زیرا مشروب الکلی باریکی ادراکی پیش می‌آورد. افراد مست، مشکلات را از جنبه‌های مختلف نمی‌توانند حل کنند و فقط یک بُعد آن را می‌بینند و در حین بروز مشکل، خود را گم می‌کنند. دلیل اصلی عدم رانندگی در حین مستی همین است وگرنه افراد مست به ظاهر می‌توانند رانندگی کنند و در ظاهر مشکلی هم ندارند. مغز افراد خیلی باهوش بعضی مواقع سریع‌تر از دست آنان عمل می‌کند و به همین خاطر دست خط آنان زیاد جالب نیست. زیرا بین دست و مغز آنان ناهماهنگی پیش میاید. به این طریق ناهماهنگی بین لایه ها، باعث بروز چنین مشکلاتی میشود.

وقتی خدای حکیم مشروب را حرام می‌کند و گوشت را حلال می‌کند یعنی آن خالق یکتا می‌داند که انسان سر سوداگری دارد و کار دست خودش می‌دهد. چیزی که خدا به آن راضی باشد، همان خوب است. هرچه که خدا انتخاب کند و او بفرماید، همان

کم مشکل‌تر و مطمئن‌تر است. ما باید تسلیم روش‌های خدا شویم. هرجا دستورات خدا را کنار بزنید دچار مشکل می‌شوید. عدم گوشتخواری به نوعی از خدا مقدس‌تر و متعصب‌تر شدن است. افراد گیاهخوار با انتخاب این نوع ایدئولوژی، خود را دچار سوداگری و خیال پردازی می‌کنند و خود را در زندگی دچار مشکل می‌کنند. فقط آئینی که خدا معرفی میکند، پایدار است و لاغیر.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾

قطعا این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود (۹)

در هندوئیسم، به عنوان مهد گیاه خواری، هدف اصلی گیاه خواری ، پرهیز از خشونت معرفی شده است. زیرا گیاه خواران با عدم استفاده از منابع گوشتی، انرژی های بدن خود را پایین می آورند و خود را ضعیفتر میکنند. آنان بجای حل موضوع خشونت در معنویت خویش، از نظر جسمی انرژی های خود را پایین می آورند تا خود را کنترل کنند و خشونت را در خود کم کنند. این روش پوشاندن مشکل و پاک کردن صورت مساله است. آنان گوشت نمی خورند تا از نظر جسمی، بدنی و جنسی ضعیف شوند و در نتیجه تحریک نشوند و به همین خاطر سطح انرژی ها و کالری های بدن خود را پایین می آورند. اگر چه این روش در ظاهر شاید ساده و منطقی به نظر برسد، ولی انسان ضعیف شده برای ادامه زندگی از هر نظر به دردسر خواهد افتاد. انسان در

جامعه زندگی میکند و باید خود را با آن وفق دهد و ضعف جسمی او باعث میشود که دیگران بر او مسلط شوند. خدای مهربان در طول دوازده ماه، فقط یک ماه آن را دستور به روزه داری فرموده است. اگر ضعیف شدن جسمی انسان مشکلی را حل میکرد، می بایست حداقل یازده ماه دستور به روزه داری می داد. اما آن قادر متعال فقط یک ماه روزه داری را اعلام فرموده است و حتی این ماه روزه داری هم در جهت تقویت ایمنی بدنی و روانی خود ماست. مرتاضان با روزه داری های طولانی، خود را ضعیف میکنند و افرادی هم که زحمت روزه داری یک ماه از دوازده ماه سال را به خود نمی دهند، باز از نظر ایمنی خود را ضعیف میکنند. خدا موافق ضعیف شدن انسانها نیست. گیاه خواران هم باعث ضعیف شدن سیستم ایمنی کالبد و روان خود خواهند شد. انسان مستضعف، کسی است که از نظر جسمی، عقلی، احساسی و ناری ضعیف شده باشد. هر روشی که باعث این ضعف شود، روشی مستکبرانه است و باید از آن دوری شود.

اما دلیل ابتدایی و اولیه خیلی از کسانی که گوشت را بر خود حرام میکنند؛ نه پرهیز از خشونت، بلکه وسواس فکری و حسی است. مثلا یکی در دوران بچگی یک مرغ جلو چشمهای او ذبح کرده اند؛ احساسات او تحت تاثیر این حادثه قرار گرفته و اکنون او دیگر گوشت مرغ نمی‌خورد. او در واقع نسبت به گوشت مرغ وسواس پیدا کرده است. این یک نوع آلرژی در لایه‌های عقل و احساس و ناری است.

یا یکی دیگر، یکبار یک مو در داخل غذایش پیدا شد. این فرد تا سال‌ها از آن نوع غذا نخورد؛ در حالی که وجود مو در این غذا اتفاقی بوده است و همیشه مو داخل غذا

که نیست. در واقع لایه جسمی او با این غذا مشکلی ندارد. این لایه احساس و عقل اوست که کارها را پیچیده می‌کند و وجود مو داخل غذا را خیلی بزرگنمایی می‌کند و برای این مو، خیالبافی ها میکند. فرد نمی تواند بین احساس و عقل خویش هماهنگی برقرار کند و به این طریق یک نوع غذا را تا ابد برای همیشه بر خود ممنوع میکند. ناهماهنگی بین لایه عقل و احساس و جسم این چنین مشکلاتی را پیش می‌آورد.

آیا ما می‌توانیم از پستان گاو به طور مستقیم شیر بخوریم؟ اگرچه حالا امکانش نیست و نمی‌توانیم ولی در خیلی جاها، بچه‌ها مستقیم از پستان گاو شیر می‌خوردند، مشکلی هم با آن نداشتند. پیش آمده است که افراد شهری دوشیده شدن شیر از پستان گاو را مستقیم نظاره کرده‌اند ولی از آن به بعد، دهن به شیر نزدند. این ادا و اطوارها و حساسیتها یک نوع تضاد در لایه عقلانی و احساسی و جسمی است. اما او براساس تصورات ذهنی خود، که ناشی از نظاره گری دوشیده شدن شیر است، فکر می‌کند این شیر کثیف است. در یک دوربین مخفی به افراد شیر گاو دادند ولی در پایان به آنها می‌گویند که شما شیر خر خوردید؛ بعضی از افراد آن را بالا آوردند. این نوع حساسیت، حساسیتی نیست که واقعا جسم را تحت تاثیر قرار داده باشد و بلکه فقط یک نوع وسواس فکری ذهنی است. خیلی ها کله پاچه نمی خورند و از آن حالت تهوع می گیرند ولی این دلیل بر ممنوع و حرام بودن آن نیست و بلکه مطابق سلیقه آنان نیست. بشر بیشتر با لایه‌های بالایی خودش مشکل دارد وگرنه جسم خاکی او با شیر گاو و یا شیر خر هیچ مشکلی ندارد. این‌ها یک نوع گره‌های روانی و یا فکری هستند.

نماز و روزه ماه رمضان یکی از این ابزارهاست که کانفلیکت و تضاد بین این لایه ها را حل می‌کند و ارتباط بین آنها را هماهنگ‌تر می‌کند و از خیال پردازی‌ها و سوداگری‌ها جلوگیری می‌کند. شیاطین لایه‌های مختلف انسان‌ها را با تحت فشار گذاشتن به هم می‌ریزند و انسان‌ها را دچار وسواس فکری و ذهنی می‌کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿۸۳﴾

آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته ایم تا آنان را اذیت کنند (۸۳)

این نوع ناهماهنگیها در لایه های مختلف بصورت زیر است:

لایه	برهم زننده آن
لایه عقل	**توهمات و سفسطه ها**
لایه احساس	**حساسیتهای بیخودی**
لایه ناری	**آتش درونی افراد و جذبه ها**

ترس از سوسک یک ترس غیر واقعی است. بعضی ها الکی سوسک را به عنوان یک حیوان وحشتناک در ذهن خود تصور می‌کنند؛ در حالی که اینطوری نیست و هرچه هست توهمات و حساسیت‌ها و آلرژی‌های درونی است که آدمیان را از واقعیت دور می‌کند.

معمولاً گیاه خواران کسانی همچون انیشتین و سایر افراد سرشناس را مثال می‌زنند که گیاهخوار بوده‌اند. اگرچه هیچ وقت ثابت نشده است. اما توجه نمی‌کنند که هیتلر هم گیاهخوار بوده است و خیلی از خواندگان سبک‌های شیطانی هم گیاه خوارند.

عدم گوشتخواری و ممنوع کردن گوشت یک نوع معنویت غلط است که کردار نیک نیست و بلکه یک کردار فیک است. غذاهایی که نام غیر خدا بر آن برده میشود حرام است. و این ربطی به گوشت و غیر گوشت ندارد. هر حیوانی که برای غیر خدا ذبح شود و یا هر غذای دیگری با نام غیر خدا پخته و نذر شود، حرام است.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿١١٩﴾

و شما را چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن برده شده است نمی خورید با اینکه [خدا] آنچه را بر شما حرام کرده جز آنچه بدان ناچار شده اید برای شما به تفصیل بیان نموده است و به راستی بسیاری [از مردم دیگران را] از روی نادانی با هوسهای خود گمراه می کنند آری پروردگار تو به [حال] تجاوزکاران داناتر است (۱۱۹)

آن چیزی که خدا حرام کرده است ، نذر و ذبح برای غیر خداست و خدای حکیم از مومنان میخواهد که این را برخود حرام کنند. خدای مهربان این نوع حساسیتها و آلرژیها را از ما میخواهد. گوشت خوک، خون، گوشت مردار و هر آنچه که با نام غیر خدا ذبح شود؛ حرام است و ما باید جسم، عقل، احساس خود را به این مورد حساس کنیم و این روش زندگی مناسبی است که خدا پیشنهاد میدهد.

همانطور که می بینید وقتی خدای مهربان چیزی را حرام میکند، بخاطر ماهیت دینی آن چیز است. حیوانی که برای غیر خدا و با نام غیر خدا ذبح شده باشد، گوشتش حرام است زیرا تغذیه لایه مادی با نام غیر خدا، لایه احساسات و عقل و ناری ما را هم تحت تاثیر قرار میدهد و انسان را به سمت شرک متمایل میکند. گوشتی که برای غیر خدا ذبح و قربانی شده است ، در ظاهر از نظر لایه جسمی با گوشت های دیگر فرقی ندارد ولی هر خوراکی که وارد بدن انسان میشود، ماهیت مادی خوراک وارد معده میشود؛ اما ماهیت عقلی وارد لایه عقل و ماهیت احساسی آن وارد لایه احساس ما میشود و به این طریق مستقیم لایه های عقل و احساس ما را هم تحت تاثیر قرار میدهد و فرد چشم باز میکند می بیند که در شرک و اعمال شرک آمیز گیر افتاده است و دلبسته آن اعمال شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده حرام مشمارید و از حد مگذرید که خدا از حدگذرندگان را دوست نمی دارد (٨٧)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده حلال و پاکیزه را بخورید و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید (٨٨)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۹۴﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه های شما باشد خواهد آزمود تا معلوم دارد چه کسی در نهان از او می ترسد پس هر کس بعد از آن تجاوز کند برای او عذابی دردناك خواهد بود (۹۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿۹۵﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید در حالی که محرمید شکار را مکشید و هر کس از شما عمدا آن را بکشد باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره ای بدهد که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند و به صورت قربانی به کعبه برسد یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراك بدهد یا معادلش روزه بگیرد تا سزای زشتکاری خود را بچشد خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است و[لی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می گیرد و خداوند توانا و صاحب‌انتقام است (۹۵)